



سه شنبه ۳ تیر ۱۴۰۴ صفحه ۸ هزار تومان ۲۰ سال چهارم شماره ۸۱۷
www.hammihaonline.ir



اصلاحات علیه جنگ

نظرخواهی از فعالان سیاسی
درباره پیام **سید محمد خاتمی** پس از حمله آمریکا



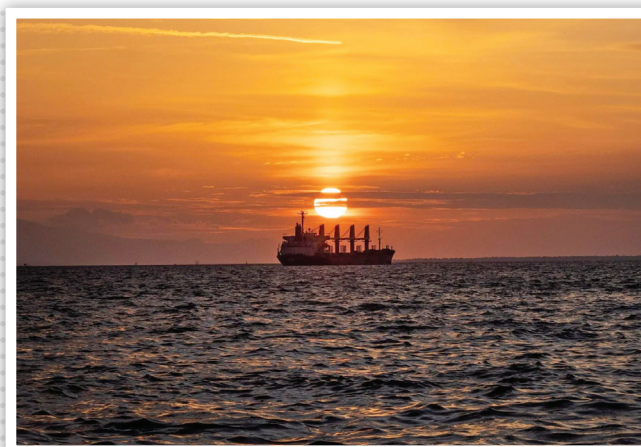
زخمه‌ای برای زخم جنگ

نوشته‌ای از **سوسن سیرجانی** درباره خوانندگان و نوازندگانی
که صدا و ساز خود را برای همدلی با مردم کوک کردند



ریسک پذیری همراه با عقلانیت

نوشته‌ای از **آرمین منتظری**
درباره گزینه‌های ایران در واکنش به تجاوز آمریکا



بازار نفت نگران شوك بزرگ

از زمان آغاز تعرضات اسرائیل به ایران، قیمت نفت برنت ۱۳ درصد افزایش یافت

خبر
آخبر
۲

ایران در واکنش به حمله به تاسیسات هسته‌ای، مهم‌ترین پایگاه آمریکا در قطر را هدف قرار داد

پاسخ به تجاوز

در پی حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران

مخالفان جنگ در ۱۲ شهر بزرگ آمریکا به خیابان‌ها آمدند

برنامه هسته‌ای ایران برقرار است

ارزیابی دیوید آلبرایت و جفری لوییس
از تاثیر حملات بمب افکن‌های آمریکا



سرمقاله

داخل یا خارج؟

تردیدی نیست که اقدامات رژیم اسرائیل، آمریکا و غرب علیه ایران خلاف بدیهیات حقوق بین‌الملل است. حتی تجاوز ایالات متحده با قوانین داخلی آنجا هم تطابق ندارد. شورای امنیت هم پیشاپیش تکلیفش روشن است. هیچ تصمیمی را نخواهد گرفت که خلاف منافع یکی از اعضای ثابت آن است. نهادهای بین‌المللی هم اغلب مستقیم یا غیر مستقیم تحت سیطره قدرت‌های برتر شورای امنیت هستند. نمونه آن گزارش گروسی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که به‌عنوان یار اضافی غرب عمل کرد و زمینه‌های حمله را فراهم نمود، سپس چنین برداشتی از بیانیه را تکذیب و رد کرد. کشورهای دیگر هم کم‌وبیش دنبال منافع خود هستند و اصولاً همه کشورها در نظام بین‌الملل در پی چنین هدفی هستند. آیا اینها به‌منزله نفی این نظام است؟ قطعاً خیر. این نظام چارچوب محدود و تعریف‌شده‌ای دارد که برای بازی کردن در آن باید در همین چارچوب بود و هنگامی که خارج از آن بازی شود، این ضوابط عمل نمی‌کند. برخی کشورها به‌طور کلی دور این سازمان را خط کشیده‌اند. از جمله کره شمالی، اینها از منافع این سازمان‌ها بهره‌ای نمی‌برند ولی از محدودیت‌هایش هم تا حدی در امان هستند. بسیاری از کشورها نیز چارچوب موجود را پذیرفته و درون آن بازی می‌کنند. چارچوبی که لزوماً در برخی یا حتی بسیاری از حالات عادلانه نیست. ولی آنان سیاست را همین‌گونه می‌فهمند؛ امری نسبی و ایستادن در جایی میان حق و باطل. ایران نسبت به این نظام وضعیت دوگانه‌ای داشت. هم درون آن بود، هم بیرون آن. شاید به امید این که بتواند تغییر از درون بدهد ولی واقعیت آن نظام متصل‌تر از آن بود که ایران قادر به ایفای چنین نقشی باشد. در نتیجه متأسفانه هم هزینه‌های بیرون بودنش را پرداخت، هم از منافع درون بودنش بهره‌ای نبرد. اگر تکلیف امید به نظام بین‌الملل برای حل بحران و جنگ تحمیلی دوم تا اینجا روشن شده باشد در این صورت باید دید که کدام مولفه قدرت می‌تواند موازنه ایجاد کند؟ این عامل قطعاً داخلی است و باید اولویت را به عوامل داخلی قدرت داد. در این میان مولفه نظامی بسیار مهم است و ایران نیز نشان داده که با تکیه بر قدرت افندی خود قادر به ایجاد حدی از موازنه هست ولی در هر حال با تکیه صرف بر این مولفه نمی‌توان موازنه‌ای پایدار و برتر ایجاد کرد. مهمترین مولفه قدرت که تمام‌شدنی نیز نیست مردم هستند. هنگامی که می‌گوییم مردم فقط تعداد محدود نیستند. حتی ۸۶ میلیون نفر مجزا از هم کفایت نمی‌کند. بلکه ملتی واحد با شعار و رویکردی واحد برای دفاع از سرزمینی واحد در کنار دولتی واحد است. این مهم‌ترین منبع و چشمه جوشان قدرت در دنیای امروز است که حتی همان نظام بین‌الملل نا عادلانه در برابر آن تسلیم است. بنابر این نگاه به صفت‌بندی‌های موافقان و مخالفان حمله آمریکا در شورای امنیت و مجامع جهانی، گرهي از کار امروز ما را باز نخواهد کرد اگر سفت‌تر نکنند. پاسخ دادن به تجاوزات با شلیک موشک، اقدامی لازم است ولی کافی نیست. گزارش‌های امروز «هم‌میهن» در باره فعالیت‌های خودجوش و گسترده‌تر مردم و هنرمندان و سیاسیون جملگی نشانگر این ظرفیت بزرگ داخلی در جهت تقویت قدرت مواجهه ایران با تجاوز است. همه مولفه‌های داخلی و خارجی را باید استفاده کرد ولی شرط لازم پیروزی مولفه اصلی قدرت یعنی تبدیل ۸۶ میلیون نفر زیر شعار واحد برای ایران و دفاع از آن است.

عکس: AFP